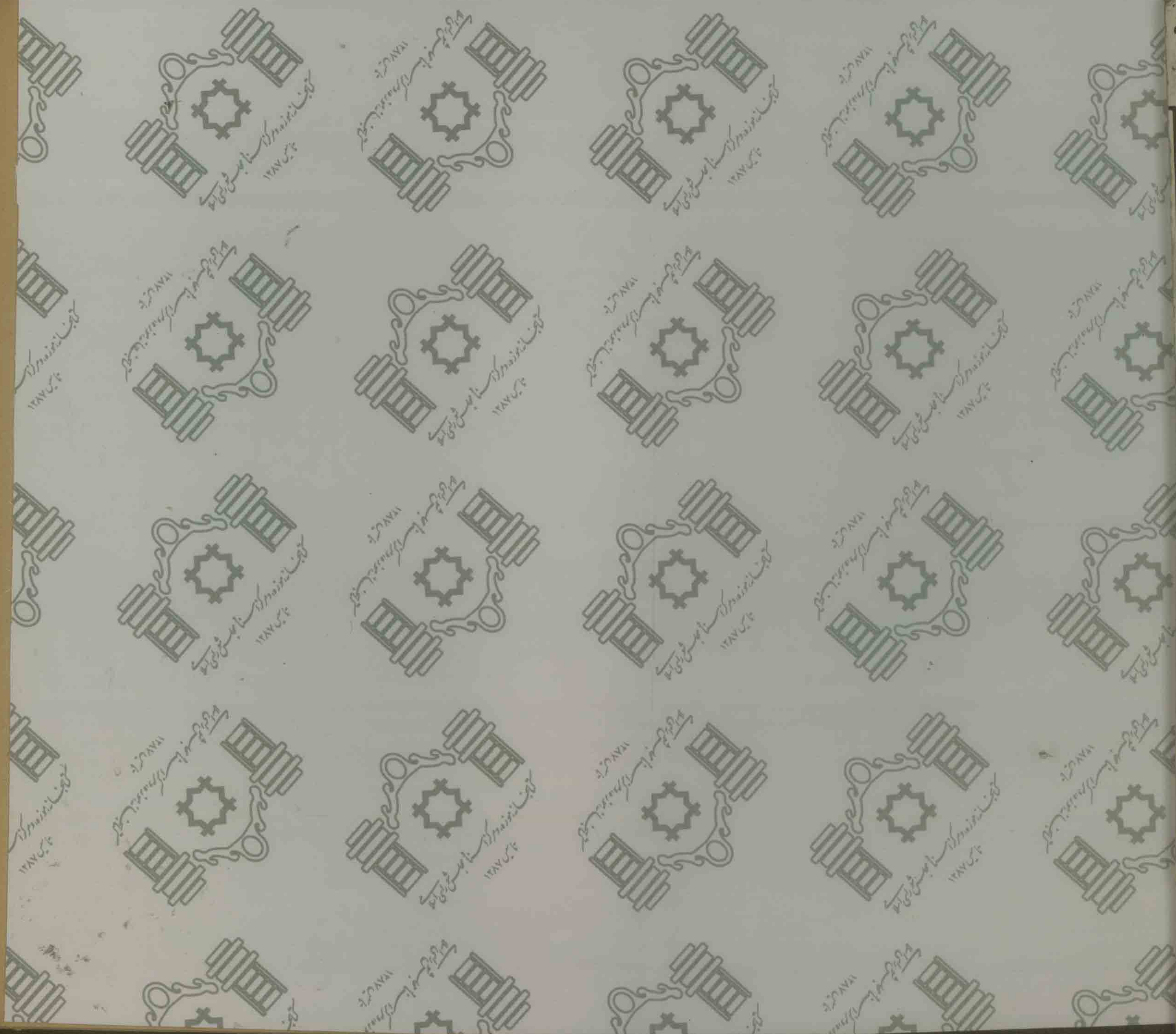


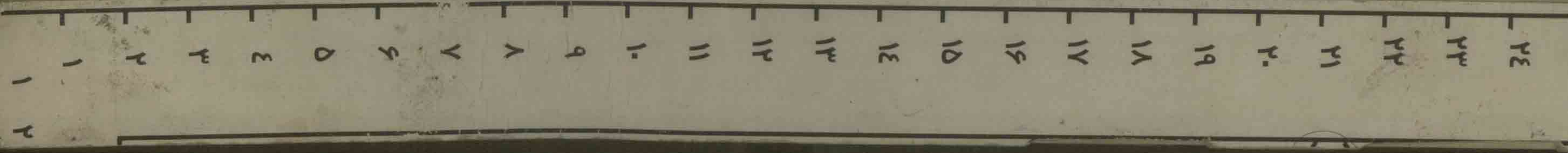


خط نو برای

نو آموزان پارسی



۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹



۱۴  
ع

ص ۳  
~~۱۳۸۴~~

۲۷۹۷۸

القبای

# خطابه نو

برای نو آموزان پارسی

نکارش و پیشنهاد

میرزا علی محمد خان اویسی



مأمور مالیه در سفارت کبرای دولتعلیه ایران در اسلامبول  
فارغ التحصیل مدرسه مبارکه علوم سیاسی و اداری

ساحب نشان طلای درجه اول علمی و نشان درجه دوم شیر و خورشید  
و غیره و غیره و غیره

باید ترقی پرست شد و باید این ترقی را  
از القبا شروع کرد

پرنس ملکم خان

ترقی منوط به علم است و علم مربوط به فطرت

ع. م. ا.

در اسلامبول

چاپخانه شمس - رو بروی باب طالی نمره ۴۳

۱۳۳۱



## بنام خدای بخشاینده مهربان

از خوانندگان این رساله مخصوصاً متغی است :

- ۱ - بیک نظر فکر را رد نفرمایند.
- ۲ - اگر صاحب فکر تجدد خواهی هستند پس از تدقیق و تفکر بیان رأی نمایند.
- ۳ - در صورت قبول این اصلاح فوراً در سدد انتشار آن بآیند .
- ۴ - هر ایرادی یا اصلاح و فکری داشته باشند و همچنین هر مقاله و تشریحاتی که در کتاب یا در باب اصلاح خط بهر نحوی باشد مینویسند و یا می بینند بتوسط مطبعه شمس بعنوان نویسنده بفرستند .
- ۵ - آقایانی که با این فکر مشارکت دارند نام و نشان خود را همانطور بتوسط مطبعه شمس بنویسند تا شاید با تشکیل انجمنی و تبادل افکار اسباب تسهیل انتشار این فکر بزودی فراهم آید .
- ملاحظه - هر مکاتبه و مخایره که بعنوان مندرجه در صفحه قبل فرستاده شود بنویسنده خواهند رسانید .



تعام فی زبان حضرت شرف آقا حاتم نیکو کرد و بیرون  
 در آن زمان

با اجازه حضرت شرف عالی این سینه را نظر بابت

آن نام نامی مبارک برین دشته تدبیر نماید  
 اینده در است که با زمانه ما بخواند و سماعی برین در آن  
 درینم و آری این فکر که کی در سایر با سرتی ما در علم عالم  
 عالم آری و دیگر که در در بر این برین حال سفر است  
 نمدار فرماید

فما بعرض نکرات عیدانه این عریضه با خبرت خود را  
 بتیم تربیت فردیت دعا کن خود و بر این زبان  
 ما فرماید را نیز نماید فردی که نگذارد علی

افاده مرام

حقایق شناسان عالم تمدن متفق بر آنند که سبب  
 توقف ملل شرقیه و عقب افتادن آنها از اهالی غرب یکی  
 مسئله الفباست که بواسطه اشکالی که در تعلیم و تعلم آن  
 داریم مدتی عمر گر انهای خود ما را صرف شناختن  
 اشکال و ترکیب حروف و گذاشتن ضمه و فتحه و کسره  
 و نقاط مینایم. يك كودك و یا مبتدی بجای آنکه بواسطه  
 یاد گرفتن عدده قبلی حروف بتواند هر نوع جمله و عبارت  
 را بخواند، باید مدت بسیار مبدیدی وقت خود را  
 صرف شناختن حروف متعدده و بلکه بعضی اوقات صرف  
 تشخیص علامات متحد الصوت نموده عاقبت هم تا آنکه  
 يك دوره صرف و نحو و لغت زبان را نداند، نتواند  
 باسانی عبارتی را بخواند.

در ازمنه قدیمه در مصر ابتدا باخط هیروکلیف  
 Hiéroglyphe یا خط و حوش کتابت و افاده مرام مینموده.  
 اند. یعنی هر مقصود و مطلبی را بعلامتی مخصوص یا

بشکل یکی از حیوانات ظاهر ساخته و مینوشته اند .  
 پس از آن فینیقیان ازین اشکال مختلفه بسیار متعدد  
 مصری حروف معدودی برای خود ساخته و استعمال  
 میکرده اند . از خط آنها عبرانیان و اعراب از يك  
 طرف و از طرف دیگر یونانیان خطوط خود را ساختند :  
 که خط ما اکنون نتیجه خطوط عربی است ، چنانکه  
 خط اروپائی مقتبس از خط یونانی و لاطینی میباشد .

در هر مانی خط آلت اشاعه افکار و اراده مقاصد  
 است . یعنی هر چه انسان خیال میکند بوسیله آن میتواند  
 روی کاغذ آورده به همجنس خود نمایاند . پس بدین  
 جهت چون مقصود و منظور دیگری از آن متصور نیست ،  
 مسلم است که هر چه این آلت آسان و ساده تر باشد ،  
 بهتر و مناسب تر خواهد بود و آدمی برای نمودن فکر  
 خود دچار کمتر اشکالات میگردد .

برعکس خط مابده بخانه هر چه بیشتر آمده بیشتر مشکل  
 گردیده و کار بجائی کشیده که هر کس تحصیل آنرا نخواهد باید  
 مدتی مدید اولاً به تحصیل و تکمیل اصل زبان پردازد ،  
 تا پس از ا کمال فهم آن بتواند بدرستی از عهده نوشتن  
 و خواندن برآید ؛ یعنی ما مطلب را بوسیله خط نمیخوانیم ،  
 بلکه خط را بمناسبت مطلب و رعایت معانی کلام قرائت  
 مینماییم .

این مسئله از دیر زمانی معلوم شده است که یکی از  
 اسباب عمده عدم پیشرفت علوم در میان ما همین اشکال  
 خط ماست و هر کس که بدین نکته پی برده در صدد  
 اصلاح این خط برآمده است .  
 اصلاح خط ما را میتوان گفت که از نیمه قرن سیزدهم  
 هجری مطرح مذا کره گردیده .

نویسنده این اوراق تقریباً از نهسال قبل بحیال  
 اصلاح این نقص اساسی برآمده و انواع طرحها و خیالات  
 برای اصلاح خط نموده و پس از تفکرات و تدقیقات  
 مفصله ، عاقبت در سال ۱۳۲۷ ، هنگامیکه در تبریز اقامت  
 داشت ، خود را به نیل مرام موفق دانسته ، رساله را که  
 اینک پیشنهاد مینماید ، در باب خط تازه که ترتیب داده بود ،  
 نگاشت . و چون تا بحال وسیله کافی در دست نبود ،  
 انتشار آن معوق مانده ، اکنون با کمال اشتیاق و امید  
 واری به نشر آن مبادرت نموده ، اقبال عموم را بدین  
 فکر که شاید اسباب سعادت کافه ناس گردد ، باعث  
 افتخار و مباهات خود میدانند .

قبل از ختم این مقدمه برای اینکه قدر ارباب هنر  
 و معرفت پوشیده نباشد ، لازم میدانم از حسن مراقبت  
 و معاونت خطاط شهر ، سر کاتب مطبوعه عامره عثمانی ،  
 عارف بیك افندی دام افضاله تشکر نمایم که اشکال این

حروف را بزبور زیبایی آراسته و بشکلی که میخواستم  
بخط نیکو ظاهر نموده و مرا از خود متشکر و ممنون  
ساخته است .

ع . م . او یسی



تاریخ خط کاتبخانه خصوصی

غلامحسین - سرود

بطور اجمال

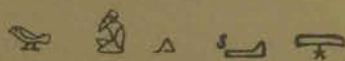
از آنوقتی که انسان بانوع خود مأنوس شده و آغاز  
روابط کرد، برای انتقال افکار و ضبط خیالات خود،  
در صدد اختراع يك آلی برآمد و اولین تربیتی که  
بنظر او رسید ، این بود که هر فکری را بعلامتی ظاهر  
سازد . بنا برین هر آنچه که صورت خارجی داشته ،  
عین آنصورت را نقش و هر چه صورت خارجی نداشته ،  
بیک صورت دیگری ظاهر میساخته: مثلاً برای نمودن  
دوستی ، يك کبوتر و برای ظاهراً ساختن دشمنی ،  
يك مار و روز را بخورشید و شب را بستاره و ماه مینموده  
و فرضاً اگر میخواست بنویسد که: (عدده زیادی دشمن  
از راه دریا وارد و پس از سه روز توقف هنگام شب  
بجنگی فرود آمده اند) بدین علامات از آن مقصود مینمود:



که قطعه ها علامت عدده زیاد و آدم مسلح علامت







دشمن و کشتی علامت دریا و قوسی که در جوف آن  
 دایره تعیبه شده علامت روز و سه خط علامت عدد سه  
 و درخت بمعنی خشکی و قوس آخری که يك هلال  
 و دو علامت دیگر در درون دارد ( ماه و دو ستاره )  
 شب را ظاهر میسازد. بدیهی است. این خط که عیناً مظهر  
 خیال است. در نزد هر ملت و قومی بشکلی ظاهر میکشته؛  
 تا اینکه در مصر ازین خط يك قسم خطی مخصوص  
 ترتیب دادند که باسم خط هیروگلیف Hieroglyphe  
 معروف است و آن خط مرکب از صور اشیاء و بعضی  
 علامات مخصوصه دیگر است که اصوات کلمات را ظاهر  
 میسازد. مثلاً در خط هیروگلیف ترجمه این  
 علامات:



ازینقرار است: اولی که بشکل ستاره اویزان است  
 معنی شب و دومی که بصورت دستی است که عصائی  
 در کف دارد بمعنی قوه و سومی که بشکل دوپائی است  
 که راه میرود بمعنی حرکت و چهارمی که بصورت مردی  
 است که دستهای خود را در وسط خود گذارده  
 علامت اعمال دهانی مانند خوردن و گفتن و آشامیدن است  
 و پنجمی صورت مرغ علامت شر است. این خط نیز  
 خالی از اشکالات نبود. مصریها متدرجاً در صد

اصلاح آن بر آمده و خطوط دیگر از قبیل هیرانی  
 و دمیونیکی برای خود ترتیب داده و عاقبت در سه هزار  
 سال قبل از میلاد ۲۲ صوت مختلف برای خود معین  
 و ممتاز کرده و برای ظاهر ساختن هر يك از اصوات ،  
 يك یا چندین حروف تعیبه نمودند که آنها را میتوانیم  
 علامات الفبائی بخوانیم . ولی با اینحال مصریها دچار  
 اشکال خط بوده و نتوانستند برای خود الفبای ثابتی  
 ترتیب دهند که هر يك علامات آن مظهر يك صدای  
 معنی باشد .

تا اینکه فینیقیان یعنی ساکنین قدیم سواحل سوریه  
 که مردمی پیشه‌ور و دنیا‌گرد بوده و با اغلب ملل آنوقتی  
 مخصوصاً مصریها مرادۀ تجارنی و غیره داشته و غالباً  
 رفت و آمد مینموده اند ، بر حسب ضرورت و احتیاج  
 در صد اصلاح خط و تسهیل آن برآمدند و گمان نزدیک  
 بیقین میرود که الفبای هیروگلیف خاصه را آنها تعیبه  
 نموده و از خطوط هیروگلیف و هیرانی مصری علاماتی  
 اخذ کرده و برای سهولت استعمال در آنها تصرفاتی  
 نموده و بنا بر آنچه که بتحقیق رسیده از خطوط مصری  
 ۱۲ الی ۱۳ حرف بیشتر نگرفته و باقی حروف را  
 خودشان اندک اندک ایجاد کرده و متدرجاً ۲۲ شکل  
 برای خود ترتیب دادند که الفبای آنها را تشکیل کرده  
 و هر يك را باسم شکل خودش نامیدند . مثلاً گاورا

مصرها ( آوا ) میگفتند و این شکل  ظاهر  
 میساختند؛ فینیقیها شکلی بصورت آن یعنی بشکل سر گاو  
 ساخته و برای الف بکار برده و باسم الف، که در زبان آنها  
 بمعنی گاو است، نامیدند. و دیگر شکلی مربع انخاذ  
 کردند که بترکیب خانه است  و مصرها آنرا برای  
 نمودن خانه بکار میبردند و ( با ) که بمعنی خانه است  
 مینامیده‌اند؛ فینیقی‌ها همان را برای علامت ( ب ) اخذ  
 نموده و ( بیث ) که زبان آنها بمعنی خانه است نامیدند  
 و همچنین شکلی بصورت سر شتر  که مصرها برای  
 ظاهر ساختن شتر بکار میبردند و زبان خود ( جیمیل )  
 یعنی شتر میگفتند، برای نمودن جیم گرفته و بالاخره  
 برای شین این صورت را  که عبارت از صورت  
 چند درخت است، قبول کرده و بدین ترتیب الفبای  
 مستقلی تشکیل دادند، که هر یک از حروف آن دارای  
 اسم و صدای مخصوصی شد.  
 صورت و تلفظات این الفبا با معانی هر یک از آنها  
 و الفباهای یونانی قدیم و سامری که از آن مشتق شده‌اند،  
 محض مزید استحضار خوانندگان محترم در صفحه بعد  
 نگاشته میشود.

حروف عبری	حروف فینیقی	حروف سامری	نامهای فینیقی حروف	معانی آنها	نامهای عبری حروف	نامهای یونانی حروف
א	𐤀	𐤀	الف	گاو	الف	آلفا
ב	𐤁	𐤁	بیت	خانه	بایه	بیتا
ג	𐤂	𐤂	جیمیل	شتر	جیم	جیلا
ד	𐤃	𐤃	دالت	درب	دال	دالتا
ה	𐤄	𐤄	ه	؟	هه	ای
ו	𐤅	𐤅	واو	گرز	واو	او
ז	𐤆	𐤆	زین	سلاح	زای	؟
ח	𐤇	𐤇	حیت	محوطه	حاه	ایظا
ט	𐤈	𐤈	طیبط	مار	طاء	تیطا
י	𐤉	𐤉	یود	دست	یاه	یویطا
כ	𐤊	𐤊	کافی	کف	کاف	کایا
ל	𐤋	𐤋	لامد	؟	لام	لامدا
מ	𐤌	𐤌	میم	آبها	میم	می
נ	𐤍	𐤍	نون	ماهی	نون	نی
ס	𐤎	𐤎	سامک	ستون	سین	سغیا
ע	𐤏	𐤏	عین	چشمه	عین	؟
פ	𐤐	𐤐	פה	دهان	פה	فی
צ	𐤑	𐤑	صادی	؟	صاه	زیتا
ק	𐤒	𐤒	قوف	گوش	قاف	—
ר	𐤓	𐤓	ریش	سر	راه	رو
ש	𐤔	𐤔	شین	دندان	شین	—
ת	𐤕	𐤕	تار	علامت	تاه	تار

### تشکیل الفبا در اروپا

یونانیان که اقدم ملل اروپائی هستند و با فینیقی ها نزدیکتر بوده اند ، الفبای فینیقی را عیناً اخذ و با بعضی اصلاحات و تغییرات بکار بردند . و مخصوصاً مهمترین اصلاحی که در آن نموده و در واقع الفبا را باعلا درجه کمال رسانیده اند ، این بوده که اعراب را که در خط فینیقی نبود ، ایجاد کردند. از الف ، يك آلفا ترتیب داده و از ه يك (e) که علامت کسره است و از ع يك (o) که علامت ضمه است و همچنین الی آخر ؛ و این اعراب را هم جزو سایر حروف داخل الفبا قرار دادند و الفبا را برعکس فینیقی ها که از راست مینوشتند ، یونانیها از چپ بر است شروع بنوشتن کردند [\*] و طبیعی

[\*] سبب از چپ بر است نوشتن یونانیان را اینطور میتوان تصور کرد که یونانیان چون منسوب به نژادهند و اروپائی و اقوام آریائی بوده اند و خط آریائی یعنی خط قدیم ایرانیان که حالا بنام خط میخی معروف است از چپ بر است نوشته می شده . یونانیان نیز در موقع تبدیل و تسهیل خط اصلی که در آنوقت دارای بعضی اشکالات بوده . این شیوه را از دست ندادند . محتمل است که حس ادخال اعراب هم در حروف از همان الفبای اصلی نمانی شده باشد .

است که الفبای اولی یونانیان خیلی بالفبای حالیه تفاوت دارد . سابق برین هر قومی از اقوام همان الفبای فینیقی را بطرزی مینوشتند : تا اینکه در قرن ششم میلادی الفبای یونانی که دارای ۲۴ حرف بوده ، تشکیل یافته و در تمام یونان انتشار پیدا نمود که اکنون زبان امروزه یونانی هم بدان خط نوشته میشود و بعلاوه خیلی حروف هم بالفبای قبلی و ارمنی و بالفباهای سیلیریک Sylirique و کلا گولیتیک Glagolitique داده است .

مدتها تصور میشد که الفبای فینیقی همانطور که داخل یونان شده ، با ایتالیا نیز نفوذ نموده و اسباب تولید الفبای اطروسک Etrusque گردیده است ؛ ولی الفبای اطروسک که پیش از ۲۰ حرف نداشته ، بعضی از حروف را دارا بوده که در الفبای فینیقی نیست ؛ مانند X, Q, V, و از این رو بخوبی معلوم میشود که الفبای اطروسک از الفبای یونانی اتخاذ شده باشد [\*] و الفبای لاطین نیز بعد ، از روی الفبای اطروسک تشکیل یافته است [\*\*]

الفبای لاطین بعد از تشکیل در تمام اروپای مرکزی انتشار یافته و نزد تمام اقوام آنسر زمین محل قبول پیدا

\* اطفریدمور Otffrid Müller ، مومسن Momsen  
 له نورمان Lenormant  
 \*\* میشل بره آل Michél Bréal

نمود ، و حالا نه تنها زبانهای مشتقه از لاطین ( فرانسه ، اسپانیولی ، پرتغالی ، ایتالیائی و رومانی ) را با الفبای لاطینی مینویسند ، بلکه زبانهای سکندیناوی Scandinave ( دانمارکی ، سوئدی و نروژی ) و زبانهای ژرمانی ( انگلیسی ، هلندی و آلمانی ) و بعضی زبانهای سلاو Slave ( بلنی و چک و غیره ) نیز آن الفبا را بکار میبرند و حتی این الفبا در نوشتن زبانهای دیگر که بکلی از زبانهای هند و اروپائی دور و جداست استعمال شده و در نزد برخی ملل و حشیه نیز مانند اهالی افریقا و امریکا و اوقیانوسی اندک اندک رواج یافته و می پدید و چون خطی است که حالا اغلب زبانهای علمی بدان نوشته میشود و در نزد علما بیشتر معمول است ، هر روز بوسعیت انتشار آن بزیمی افزاید .

### ترتیب الفبا در آسیا

آسیا مهد ایجاد الفبا بوده ولی متأسفانه مانند اروپا بسهولت و تکمیل آن نایل نیامده است . بدو از الفبای فینیقی که در واقع اصل تمام الفباهای حالیه است ، از یکطرف عبرانها برای خود خطی ترتیب

داده که مدتی استعمال مینموده اند . ولی بزودی بعلت تفرقه و جلای وطن آنها ، این خط ضایع شده و از میان رفته و فقط در روی پولهای عبرانی بحالت اصلی خود باقی مانده است ، از طرف دیگر آرامیان که آنها هم مانند عبرانها قومی بوده اند از اقوام سمیتیک و در نواحی شمالی دجله و فرات مسکن داشتند ، در همان اوقات آنها هم از روی خط فینیقی الفبائی برای خود تنظیم نمودند که باندازه باصل خط فینیقی که از آن اقتباس شده شبیه بوده که اغلب در نقوش و خطوط قدیمه ، خط آرامی باخط فینیقی اشتباه میشود . ولی بعد از آن اندک اندک تغییرات کلی در آن حاصل شده و متدرجاً آنساط و انتشار فوق العاده پیدا کرده ، از انطاکیه تا مکه معظمه و از مصر تا وسط ایران محل انتشار یافته است و از تدقیق در خط حرکت و انتشار داخلی و خارجی این الفبا ، جدیداً بحل يك مسئله مهمی که علمای فن را خیلی مشغول میداشت ، موفقیت حاصل شده ؛ و آن مسئله عبارتست از کشف : اصل الفبای هندو .

مدتی مدید تصور میشد که خط سانسکریت را الفبای مخصوص مستقلی است که بتوسط هندیها اختراع شده ، ولی بعد از تجسس و تحقیقات دقیقه امروزه معلوم گردیده که مطلب غیر ازین است . يك قسم از خط

سانسکریت در شمال هندوستان از حدود افغان الی نواحی  
 مایورایافت شد که آنرا خط هند و باختری می نامند  
 و آنخط خیلی شبیه است بخط آرامی . ولی از طرف  
 دیگر دارای اصوات و اشکالی است که خیلی شباهت  
 آنرا بخط اصلی هندی که تمام خطوط حالیه هند از آن  
 مشتق است ظاهر و ثابت میدارد و بدین مناسبت نمیتوان  
 قبول کرد که خط هندی فقط از خط هند و باختری  
 اقتباس شده باشد ، بلکه ظن غالب برین است که این خط  
 از خطوط هند و باختری و آرامی و یونانی تشکیل و ترتیب  
 یافته است .

در هر حالت اگر ساکنین هند مخترع الفبا نبوده ،  
 هیچکس نمیتواند هوش اقتباسی آنها را انکار نماید که  
 خیلی بهتر و قابل تر از یونانیان بوده است . الفبای  
 سانسکریت بهر صورت که در آمده اسباب تولید تمام  
 خطوطی که نه فقط در هند بخصوص ، بلکه در سیام  
 و کامبوج و برمه و در شبه جزیره مالزی و تبت و تایلند قسمت  
 چین خاص تعمیم یافته و بعضی ها را هم عقیده برین است که  
 الفبای کره نیز از خط هندی اقتباس شده است .

اما عبرانیها بعد از مراجعت از غربت باز در صدد  
 ترتیب الفبائی برآمده و الفبای مربع خود را که خیلی  
 شبیه بالفبای امروزه ایشان بوده ترتیب دادند که کمال

نزدیکی را بخط آرامی داشته است و این شباهت و نزدیکی  
 بواسطه مر او ده بوده که این ملت با آرامیان پیدا نموده و بدین  
 واسطه خط خود را از روی خطوط ایشان تنظیم کرده اند .  
 مختصر از خطوط قوم سمیتیک دو الفبای خیلی نزدیک  
 ۳۳ می بینیم : الفبای پالمیری و الفبای نبطی .

الفبای پالمیری در نزد آرامیان مدنی مستعمل و الفبای نبطی  
 در میان آرامیان بدوی که اسلاف اعراب حالیه بوده اند استعمال  
 میشده . از الفبای پالمیری الفبای قدیم سیریاک یا استرانکلو  
 اقتباس گردیده که بزودی در ناحیه اصلی خود متفوق و بر طرف  
 شرق مسافرت کرده و تا خاک چین رخنه یافته و مخصوصاً در  
 آسیای مرکزی ریشه محکمی غرس نموده و اسباب تولید  
 الفباهای اویغور و مغل و کالموک و منچو شده است .

هنکامی که الفبای استرانکلو بطرف شرق هجرت  
 مینموده بجای آن الفبای ژا گویت یا سیریاک منتشر گردیده که  
 تا کنون هم مستعمل و مخصوصاً در نزد مارونیت ها  
 ( Maronites ) که در سوریه سکنی دارند تا بحال باقی  
 و برقرار است . از دو خط سیریاک و نبطی خطوط عربی  
 اقتباس شد که بعد از آن بواسطه مذهب اسلام اتساع  
 فوق العاده پیدا نمود .

خطوط عرب در ابتدا بدو قسمت منقسم شده بود:  
 خط کوفی که قسمت شرقی خطوط عربی بوده از خط

سیریاك مقبلس شده و چون در نوشتن اشكال داشته دوامی نکرده و فقط چند جلد از قدیم ترین نسخه های کلام الله مجید با آن خط نوشته شده و بیشتر در ابنیه و نقوش و روی پولها بکار رفته و بزودی از استعمال افتاده و جای خود را به خط « نسخ » داده است . اما خط نسخ عبارت از قسمت غربی خط عربی بوده که در مصر تولید و از روی خط نبطی اقتباس شده و با بعضی اصلاحات اندك اندك انتشار کامل یافت ؛ بحدی که امروزه اساس اصلی خط عرب را تشکیل داده و چنانکه ملاحظه میشود در نزد تمام ملل اسلامی مقبول و متداول است . خط عرب مندرجاً با اشكال مختلفه بیرون آمده : در مغرب خطوط مغربی و اندولسی را تشکیل و در شرق و ایران خطوط دیوانی و ریحانی و ثلث و تعلیق و شکسته و غیره و غیره را ایجاد نموده است .

### الفبا در ایران

قدیم ترین خطوط ایران خط آریائی است که منسوب بزبان آریا ، که زبان اصلی نژادهند و اروپائی بوده میباشد . این خط بطوری که در صفحه بعد ملاحظه میشود ، مرکب از علاماتی است شبیه بیخ ، که در زمان قدیم

صورت حروف خط میخی و حروف مقابله آنها در خط حالیہ [\*]

حروف میخی	حروف مقابله	حروف میخی	حروف مقابله
𐎠	س	𐎠	ا
𐎡	ش	𐎡	ب
𐎢	ف	𐎢	پ
𐎣	ک	𐎣	ت
𐎤	گ	𐎤	تر
𐎥	م	𐎥	ث
𐎦	ن	𐎦	ج
𐎧	و	𐎧	خ
𐎨	ه	𐎨	و
𐎩	ی	𐎩	ر
𐎪	!	𐎪	ز

[\*] نقل از آثار عجم

توضیح — علت اینکه بعضی از حروف خط میخی دارای دو پایه شکل میباشند اینست که آنحروف را بهر اعرابی که در می آمد بشکلی دیگر مینوشته اند . مثلاً میم سه علامت دارد : اولی میم مفتوح ، دومی میم مضموم سومی میم مکسور است . و قس علی ذلك .

باغات الاتی که سرانهارا مانند میخ ساخته بودند در روی خشت های خام نوشته و نقش نموده و بعد از خشت ها را می بختند که تا خطوط روی آنها تماماً باقی بماند و همین ملاحظه است که حالا این خط را خط میخی مینامند.

بنابر تحقیق علمای فن این خط نیز اساساً از خط خیال نویسی تولید شده و متدرجاً مانند خطوط مصری و فنیقی ادوار ترقی خود را طی کرده. اندک اندک از خیال نویسی به ترکیب يك الفبای مخصوصی که دارای بیست و يك حرف و سی و دو شکل بوده در آمده و خط مستقلاً را تشکیل داده است.

خط میخی دران اوقات نه فقط در ایران، بلکه در کلدیه و آشور نیز با بعضی تغییرات معمول و مستعمل بوده و تا انجام دوران پادشاهی کیان دوام نموده است. چنانکه هر چه آثار از آنوقت درین نواحی یافت میشود، تماماً باین خط نوشته شده است.

اما دوره سلطنت اشکانیان را دوره انحطاط ادبی و علمی ایران میتوان نامید. درین دوره خط و زبان ایران دچار انواع مشکلات و تغییرات شد. تا این که نوبت فرما نقرمائی بساسانیان رسید. در زمان سلطنت اردشیر بابکان از زبان قدیم که آریائی بود، زبان پهلوی انشاد و از روی خط آرامی و الفبای پالمیری خطی در ایران انتشار

صورت حروف پهلوی و حروف

مقابله آنها [\*]

نامهای عربی	رقم ساسانی	رقم عراقی	نامهای عربی	رقم ساسانی	رقم عراقی
ا	لا	لا	ک	۲	د
ب	ل	و	ک	د	د
پ	۹	۸	ل	ل	ف
ت	۴	۸	م	۵	خ
ج	۴	۸	ن	۶	ل
د	ل	۶	ر	۲	د
ر	۲	۶	ه	۵	ز
ز	ل	ل	ی	۵	ح
س	۸	۷	ا	د	ل
ش	لا	۷			

[\*] نقل از آثار عجم

یافت، که انهم بخط پهلوی معروف شده و بزودی جای خط میخی را گرفت. این خط عبارت از نوزده حرف بوده و بدو نوع منشعب میگردد: پهلوی ساسانی و پهلوی عراقی. و چنانکه در تصویرات الفبائی آن دیده میشود، این خط با خط قدیم عبرانی و عربی نیز چندان بی شباهت نیست و همانطور هم از راست بچپ نوشته میشده است. این خط تا انجام سلطنت ساسانیان در ایران باقی بود.

تا اینکه بعد از انتشار دین حنیف اسلام بدو ملاحظه: یکی شباهت خط آنوقتی ایران با خط عربی و دیگری نفوذ مذهبی و اوضاع سیاسی اندوران، خط عربی جای خط پهلوی را گرفته و متدرجاً ایرانیان از روی خط نسخ که مهمترین شعبه خط عرب بود، خطوط دیگر مانند تعلق و شکسته و دیوانی و غیره و غیره ترتیب داده و استعمال نمودند که تا کنون هم در تمام ایران معمول و متداول است.



صورت خطوط قدیمه و جدیده و نسبت آنها بیکدیگر

زبانهای مشتقه از لاتین (فرانسسه، اسپانیولی، پرتغالی، ایتالیائی و رومانی) زبانهای اسکانندیناوی (دانمارکی، سوئدی، نروژی) زبانهای ژرمنی (انگلیسی، هلندی، آلمانی) زبانهای سلاوی (پلی، چک، و غیره) و برخی زبانهای دیگر که بکلی از زبانهای هند و اروپائی هم دور هستند	اطروسک و بعدلاتین	زبان قدیم	یونانی جدید ارمنی	سیلیریک کلا کولیتیک	الفبای قدیم	خط هندی عبرانی مزایع	پالمیری	ارامی	که با قسم مختلفه در هندوستان، سیام، برمه، کامبوج شبه جزیره مالزی، تبت و یک قسمت چین خاص، مغولستان کره (برخیز بعضی) معمول است که تا حال در نزد عبرانیها باقی است استرانگلو: اویغو، مقل و کالموک امارونیت سیریاک معمول به قسمتی از سکنه یاژا کویت (سوره) کوفی (منسوخ) بنطی: خط نسخ که حالا معمول به عموم مسلمانان است پهلوی ساسانی و پهلوی عراقی که تا قبل از اسلام در ایران معمول بوده است	ایران قدیم تا زمان سلطنت اشکانیان خط آریائی یا خط میخی کلدانی منسوخ، اشور
--	----------------------	--------------	----------------------	------------------------	----------------	-------------------------	---------	-------	--	--

میر و کلیف مصری



### اصلاح خط قدیم

### ابداع خط نو

بزرگترین مسائلی که همواره چرخ حیات ما را واپس بچانده و ما را از هر نوع حرکت و ترقی باز میدارد، همانا اشکال خط ماست؛ و این مطلب را آنقدر گفته و نوشته اند که محتاج بتوضیح و بیان نیست.

همه عقلای دنیا و دانایان سابق و لاحق مابه اشکال خط ما معترف و به اصلاح آن معتقدند.

آنها که تمام وسعت عقلشانرا به این خط حالیه محدود و این خط و طرز کتابت را بهترین خطوط و طررز میدانند، هیچوقت نمیتوانند قبول نمایند که این خط را عیب و نقصی است که باید اصلاح کرد؛ و با کمال جدیت میکوبند که: «صیف» بمعنی «بهار» با «ص» و «سیف» بمعنی «شمشیر» را با «س» باید نوشت.

اگر کسی بگوید: در صورتیکه صدای حرف اول این دو کلمه یکسان است، چرا باید اشکال آنها مختلف باشند، در کمال تکبر میکوبد: برای این است که اشتباه

نشود. و اگر بگویند: پس چرا این ملاحظه را در «سالك» و «سالك» نمیفرمائید و در صورتیکه معانی آنها مختلف است، چرا باید شکل نوشتن آنها یکسان باشد، آنوقت همان عارف بمعارف قدیمه میکوبد: اینطور بما گفته اند و یاد گرفته ایم. و بچاره نمیدانند در چند مدت اینها را یاد گرفته و چقدر عمر خود را در سر اینکار تلف کرده، تا حالا بعد از سالها تحصیل میتواند مابین صدای حرف اول کلمات «صامت» و «ثابت» و «سالك» را فرق بگذارد و کلمه «سیر» یعنی سه حرف «س» و «ی» و «ر» را «سیر» ضد کرسنه بخواند و بفهمد، یا «سیر» یعنی گردش و یا «سیر» که جمع سیرت هاست.

اینها را چون پیشینیان ما توضیح کرده اند، مابه تکرار آن نمیپردازیم و ما را با آن آدمها که با اصلاح معتقد نیستند کاری نیست. مطلب خود ما را میکوییم، اگر به پذیرند زهی سعادت و اگر نمی پذیرند، آنقدر در همان مقام اجدادی باقی خواهند ماند و لکن بهبوده خواهند زد، تا خسته شده، خودشان خستگی خود را حس نموده، مجبوراً قدمی پیش نهند و احتیاج ترقی را احساس نمایند.

عجالتاً ما را با آنها کاری نیست .

روی سخن ما به ترقی خواهان است، یعنی آنهاست که در صد پیش رفتن برآمده اند و میخواهند قدمی بیشتر نهند .

اهل انصاف با ذوق سلیم بخوبی دریافته اند و سالهاست که میشوند که خط مامشکل است و باید اصلاح شود .

هر کس درین مسئله شکی دارد بر سالات دانشمند شهر ما پرنس ملکم خان رجوع کند .

باندك تأمل هر صاحب ذوقی بخوبی میفهمد که اگر خط ما اصلاح شود ، همه چیز ما اصلاح خواهد شد ، بجهت اینکه پایهٔ راس اساس همهٔ ترقیات هر مملتی خط است .

ترقی منوط به علم است و علم مربوط بخط .  
عمر ابنای وطن مادر صورتیکه باید صرف تحصیل علم شود ، مدتی در سر تحصیل خط تلف میگردد .

خط ما چون اشکال متعدده دارد، کتابهای مابزرگ و بازحت چاپ میشود . اگر اروپائی در طبع کتابی ۳۰ حرف بکار برد ، ما باید در طبع همان کتاب ۳۰ حرف استعمال نمائیم .

خط ما چون مشکل است ، تحصیلی آن خیلی طول میکشد و بدین واسطه مردم کمتر در صد دیاد گرفتن آن

برمی آیند و مردمی که نوشتن و خواندن نتوانند ، از کجا تحصیل علم توانند نمود .  
این است اسباب عدم ترقی ما .

این است آن مانعی که هر چه ما با کمال جدیت میخواهیم ترقی کنیم نمی توانیم .

بعضی موانع غیبی جلو ترقی ما را گرفته که یکی از آنها این است

••

خط اسباب انتقال بیان است و مظهر معانی .  
اگر درین دورهٔ ترقی تبدیل چرخ جولائی قدیم به ماشین های نازک اختراع فرنک قابل اعتراض باشد ، اصلاح خط هم البته قابل اعتراض خواهد بود .

اما چون ما میخواهیم همه چیز را آسان و موافق مقتضیات زمانه بکنیم ، پس خط را باید آسان کنیم و در اصلاح آن بکوشیم .

بنده نمیگویم که بکلی خط خود ما را تغییر بدهیم و یا مثل بعضی ها عقیده ام بر این نیست که خط آسان اروپائی را اخذ و بدان روش کتابت کنیم . فقط غرض عرض بنده این است که به فکر « اصلاح خط » و آسان کردن آن باشیم .

••

این نیک مبرهن است که خط ما مأخوذ از خط کوفی و خطوط عربی است و از اول تا کنون هزار ها تغییر پیدا کرده . حروف مقطعه کوفی به حروف متصله « نثک » و از آن پس به « نسخ » و زاترو به « اجازت » و « تعلیق » و « شکسته » و « دیوانی » و « سیاق » و « ریحانی » و « رقعه » و غیره و غیره تبدیل یافته . خطاطان ما گویا مخصوصاً سعی در اشکال خط کرده و ما حالا تصور میکنیم که اگر هزار و سیصد سال به قهقرا برگردیم و نظری در خط کوفی اندازیم ، اصلاح آن بنظر آسان تری آید تا این خطوط امروزه شکسته و دیوانی و غیره .

اگر تصرف در خط ممکن است ، ما هم حق تصرف داریم و اگر ممکن نیست ، پیشینیان ما چرا اینقدر تصرفات بیرویه کرده اند . ما را باحسن خط و شکل تحریر آن ابداء کاری نیست و نمیخواهیم بهیچوجه وضع تحریر را تغییر دهیم ، بلکه میخواهیم بابقای صورت تحریر حالیه ، عدد حروف خود ما را محدود و بسیار کم تر از سابق نموده ضمناً اعراب را هم داخل حروف کنیم .

خواننده دانا در اول وجه فکر میکند که

چگونه ممکن است که بابقای وضع تحریر حالیه و صورت کنونی حروف اعراب را داخل کلام کرد و کدام حروف را میتوان ساقط نمود ؟ و تصور مینماید که این کار را پیشینیان باکمال تتبع که داشته اند نتوانسته اند بنمایند و باز در خطوطی که وضع کرده اند همان اشکالات املائی قدیم را باقی گذاشته و اصلاح را فقط به داخل کردن اعراب در کلام و تبدیل حروف از شکلی به شکل دیگر پنداشته اند .

بنده عرض میکنم که باندک تصور و قدری تعقل این همه اشکالات رفع میشود و کار باین اشکال آسان میگردد ، اما در صورتی که زبان فارسی را از نقطه نظر عربی تصور نفرمائید .

فارسی را در صورتیکه از نقطه نظر فارسیست ملاحظه نمائید خواهید دید که برای ابراز مخارج اصوات کلمات این زبان بیش از ۲۸ حرف لازم نیست و نیک آشکار است که هیچ زبانی بیش از مخارج مختلفه خود حروف لازم ندارد و اگر در یک خطی هم حروف زیادی باشد و مثل خط ما برای یک صوت دو یا سه حروف داشته باشد ، این حروف معطله موجب تولید همان اشکالاتی خواهند شد که در زبان ما شده است .

در زبان عرب چون مخرج « س » سه است ، سه

حرف مختلفه برای باز نمودن آن مخارج وضع کرده اند : تا وقتیکه «صوت» مینویسند خواننده حرف اول را از ته حلق بخواند و چون «نوب» نکارند حرف اول را خواننده از سر زبان تلفظ کند و بالاخره هرگاه «سیر» بنویسند طرف مقابل حرف اول را چون «س» فارسی بخواند. و این مبرهن است که این نوع اختلاف مخارج در زبان فارسی نیست و ما هر قدر سعی کنیم نمیتوانیم «ص» و «ث» را مانند اعراب تلفظ کنیم و چون مخارج آنرا نداریم حروف آنرا هم لازم نخواهیم داشت .

همینطور است حروف «غ» و «ق» که هر دو در فارسی دارای يك صدا هستند ؛ و «ه» و «ح» و «ع» و «ا» و «ه» .

حذف این حروف زیادی گویا به هیچ جابر نخورد و ضرری هم به دستکاه و اعتقاد ما وارد نیامورد . پس در این صورت چرا در صدد «اصلاح خط» برنیائیم ؟ و خط خود ما را آسان نمائیم ؟

این است آن فکری که ما را به «اصلاح خط قدیم» و «ابداع خط نو» وادار مینماید .

اینک نتیجه و خلاصه تدقیقات و تحقیقات مفصله خود را درین مسئله پیشنهاد مینمایم :

« خط نو »

ترتیب خط نو کار بسیار آسانی است ، اگر چه در ابتدا خیلی مشکل بنظری آید .  
تدقیقات و تحقیقات طولانی آشکارا ما مینماید که برای اصلاح خط خودمان باید، این چهار قاعده را قبول نمائیم :

اولاً - حذف اصوات مشترکه ؛

ثانیاً - ادخال اعراب در حروف ؛

ثالثاً - جدا کردن حروف از یکدیگر ؛

رابعاً - حذف نقاط .

بعد باندک تتبع ملاحظه خواهیم کرد که حروف بسیار آسانی برای کتابت و تحریر ترتیب یافته که وجدان سلیم در یک نظر قبول مینماید .

اما لازم است که فکر خودمانرا از آنچه که خوانده ایم عاری و بانظر طبیعی به این اصلاحات بنگریم .

بر آشکار است که چون حروف معطله را از میان حروف خودمان خارج نمائیم و اندک تصرفی در اختیار حروف لازمه از میان حروف قدیمه خودمان بکنیم باقی حروف از بنقرار خواهد بود :

ا ب پ ط س ج چ ح خ د ذ ر ژ ش ع  
ف ق ک گ و ل م ن ی

که جمعاً میشود ۲۴ حرف . ازین حروف «ا»  
 و «ی» صدا دار است ، که «ا» بشکل «آ» یعنی الف ممدوده و «ی»  
 بشکل «ای» یعنی مانند «i» فرانسه تلفظ میشود؛ و سایر  
 حروف بیصدا هستند، یعنی بدون اعانت حروف باصدا  
 تلفظ نمیشوند و فقط در الفبا برای عدم صعوبت تلفظ آنها را  
 به کسره خواهند خواند ، مانند آ ، به ، په ، طه  
 و قس علی ذلك ؛ غیر از «ع» که بیصداست و در بعضی  
 گات بکار خواهد بود ، مانند «وضع» و «دفع» و غیره ،  
 این حرف نه کاملاً صدا دار است و نه بکلی بیصدا .  
 پس معلوم میشود که دو حروف صدا دار یعنی  
 «آ» و «ی» که منزله اعراب هستند ، از اول در  
 حروف ما موجود بوده و چون بدقت مینگریم به چهار  
 حرف دیگر که فتحه و کسره و ضمه و حرفی که تلفظ  
 «او» را ظاهر نماید ، نیز محتاجیم ، تا حروف الفبای ما  
 کامل شده ، هر صوتی را که از مخارج دهان ما خارج  
 میشود بتوانیم در روی کاغذ آورده ظاهر نماییم ؛ پس  
 بنابر این ، این علامت «ا» را بجای فتحه و «ه» را  
 بجای کسره و «ه» را بجای ضمه و «و» را برای تلفظ  
 «او» اختیار و استعمال خواهیم نمود .  
 بدین ترتیب مجموع الفبای ما ۲۸ حرف و ازینقرار  
 خواهد بود :

ا ب پ ط س ج چ ح خ د ض ر ژ ش  
 ع ه ا ه ه ف ق ک گ و ح ل م ن ی  
 و چون این حروف را قدری مختصر و جمع تر نمایم  
 بدون اینکه از وضع کتابت حروف حالیه خود مان  
 چند آن دور بشویم بآنکه تصرف حروف ذیل را  
 ترکیب خواهیم نمود :

ا ب پ ط ه ج چ ح خ د ض ر ژ ش  
 ا ه ه ع ف ق ک گ و ح ل م ن ی  
 و برای اینکه نقطه هاهم از میان برداشته شوند  
 و زحمت خود را کم کنند یعنی خط را آسان تر کرده  
 بواسطه يك نقطه کم یا زیاد در خواندن آن گرفتار  
 مشکلات نشویم از حروف فوق حروف مستقلة ذیل  
 را ترتیب میدهم که در هر حالت و در هر جا دیده شوند  
 تلفظ آنها یکسان و تغییر ناپذیر خواهد بود و آن حروف  
 این است :

ا ب پ ط س ح ج ح د ص ر ژ ش  
 ا ه ه ع د ل ک و و ل م ن ی  
 بدین تفصیل سه قاعده اول و دوم و چهارم بموقع اجری  
 گذاشته میشود ؛ یعنی : اولاً اصوات مشترکه را حذف

وثانیاً اعراب را داخل حروف خودمان کرده و ثالثاً  
قطعه های حروف را هم برداشتم ؛ اکنون باید  
بقاعده سوم یعنی جدا کردن حروف از یکدیگر رجوع  
نمائیم و برای اعمال و رعایت آن لازم است که حروف  
خودمانرا منقسم بدو نوع کنیم :

حروف تحریر و حروف کتابت .

حروف تحریر متصل و حروف کتابت منفصل  
خواهد بود .

حروف تحریری باخط نستعلیق و حروف کتابی  
باخطی شبیه و نزدیک به خط نسق نوشته خواهد شد .  
چنانکه ملاحظه میفرمائید حروف تحریر ما از  
اینقرار خواهد بود .

حروف منفرده :

ا ب پ ط س ج چ ح خ و ف ر ث ش  
ا م م ع ف ق ک گ و و ل م ن ی  
حروف تحریر ابتدائی :

- پ ط - ج چ م خ - - - - -  
- م م ع ف ق ک گ - - - - -

حروف تحریر وسطی :

- پ ط - ج چ م خ - - - - -  
- م م ع ف ق ک گ - - - - -

حروف تحریر اخیری :

ا ب پ ط س ج چ ح خ م م ع ف ق ک گ و و ل م ن ی

کلیه حروف تحریر بطریق فوق به ۹۵ شکل درمی  
آیند؛ که اغلب بیکدیگر شبیه و اساساً همان ۲۸ حرف را که  
یکمرتبه یاد بگیرند سایر انواع هر یک از آن حروف را  
با آسانی میتوانند دریافت نمایند . حروف فوق بدین  
ترتیب ترکیب میشوند ؛ مثال از کلیات شیخ :

بانی ادا م اعضا یه یه کدیگار اند

که دارا قاری نیش زه یه ک که مو حار اند

چه مضوی به دارا و اوارا در وضه کار

وه کار مضو حارانا مانا نادق رار

اما حروف کتابت که مجزی و منفصل نوشته میشود

و فقط ۲۸ حرف خواهد بود و در هیچ حالت تغییر پذیر نیست ، از بنقرار است :

ا ن م ط س ح ع ح د ص ر م  
ا ه ه ع و و ل ک و و ل م ی

مثلاً اگر بخواهیم بگوئیم :

« این الفبا کار خواندن و نوشتن را بسیار آسان مینماید ، »  
« زیرا که هر حرف شکل مستقلی دارد و مبتدی بحضیکه اشکال »  
« مزبور و تلفظ آنها را یاد گرفت میتواند هر چه میخواهد »  
« بنویسد و بخواند »

مینویسیم :

یک الی و یا لاره حاصدانه یا هوه م ط ا ه یا سه سیار  
لسانه می نامی آید صی را له زار زارد م ه ل ل ه م ا ح س و -  
سی داراد یا م ه س ط ا دی سه م شخصی له ا ل ل ل ه م ا ص -  
سوره یا ط ا ل ل ا ه ص ه ا ه ج را ی ا د ک ه ه ه ط م ی ط ا -  
ط ا ه ا د ز ا ر ه م ی ح ا ز ا د ه ه ه ه ی س ا د یا ه ه ح ا ع ا د .

تکمیل - اگر چه در خط فارسی اساساً بحذف

اصوات مشترکه معتقدیم ، ولی بملاحظاتی چند و برای  
اینکه در موقع نوشتن کلمات و عبارات عربی تلفظ آنها را  
بحقی ظاهر نموده باشیم ، در عوض آنهاهم نقطه و علامات که

حذف شده ، ممکن است فقط هشت حرف علامت  
دار وضع نمائیم . بدین قسم :

ظ ط س ح ع ح د ص ر م  
« ت » « ث » « ص » « ذ » « ض » « ط » « ع »

که - الفبای ما را تکمیل نموده و صورتهای اصوات  
مختلفه هم بدون اینکه اسباب زحمت بشوند ، نمودار  
گردیده ، بطوری که ذیلاً ملاحظه میشود ، این الفبای  
جدید هم تمام عناصر الفبای معموله حالیه را در بر  
دارد ، بعلاوه اعراب ، از بنقرار :

ا ن م ط س ح ع ح د ص ر

واء ، ب ، پ ، د ، ث ، ج ، ح ، خ ، د ، ذ ، ر ،

ص ، س ، م ، ن ، ه ، ط ، ص ، ا ، ه ، ع ،  
ز ، ر ، م ، ن ، ه ، ض ، ط ، ط ، ع ، - - - ع .

ن ن و و ل ک و و ل م ن ح ی  
« ی » « ن » « ل » « ک » « و » « و » « ل » « م » « ن » « ح » « ی »

این نکته را هم یاد آوری میکنم که در این الفبا کلیه  
حروف فارسی ما مثل حروف سایر ملل منقسم میشوند  
به نوع :

حروف باصدا ، حروف بیصدا ، حروف بیصدا ،  
حروف باصداشش است : ا ، آ ، ه ، ه ، و ، ی

حروف بیصدا يك است: ع  
باقی حروف بیصدا هستند:

ن م ط س ح ج ع د ص ر ر م د  
ک ل و ل م ه

این حروف اخیر چنانکه ذکر شد گنگ و بیصدا  
و بدون اعانت حروف اولی خوانده میشوند.

باقی ترتیبات و تعلیقات قرائتی این خط در طی الفبائی  
که باید بدین اصول ترتیب یابد پیشنهاد گشته ملاحظه  
خواهد شد.

این است اصلاح خط و این است تصرفی که در خط  
قدیم نموده ایم و این است خط جدید که نامیده میشود  
به «خط نو».

### اضافه

گفتم که برای اجرای قاعده سوم یعنی جدا کردن  
حروف از یکدیگر باید حروف خودمانرا منقسم بدو  
نوع نمایم: حروف تحریر و حروف کتابت.  
در باب حروف کتابت توضیحات لازم داده شده و طرح  
آرام در صفحه ۳۸ تصویر نموده ایم؛ اینک محض مزید تکمیل،  
حروف مزبوره را بدو شکل دیگر که اولی به «خط مستقیم»

و ثانی به «خط سببه» نامیده خواهد شد ترتیب داده، ذیلاً صورت  
آنها را با امته لازم از لحاظ خوانندگان محترم میگذرانیم.  
آ - صورت الفبای خط مستقیم از اینقرار است:

ا ب پ ط س ح ج ع د ص ر ر م د

ک ل و ل م ه

مثال:

«حاططه هه و احادی هه سلطه هه حاططه و ارسه سط  
له و ارسه هه حاططه هه سلطه هه حاططه و ارسه سط  
حه و ارسه هه سلطه هه سلطه هه سلطه هه سلطه هه  
بول و ارسه و ارسه هه سلطه هه سلطه هه سلطه هه سلطه هه»

«ا ب پ ط س ح ج ع د ص ر ر م د حاططه هه سلطه هه سلطه هه سلطه هه سلطه هه»

«له و ارسه هه سلطه هه سلطه هه سلطه هه سلطه هه سلطه هه سلطه هه سلطه هه سلطه هه»

[\*] ا ب پ ط س ح ج ع د ص ر ر م د حاططه هه سلطه هه سلطه هه سلطه هه سلطه هه

ا ب پ ط س ح ج ع د ص ر ر م د حاططه هه سلطه هه سلطه هه سلطه هه سلطه هه





الفبائی میباشند ، هر يك نیز در الفبای خود بقدر لزوم حروف داشته ، میتوانند با کمال سهولت در نوشتن زبان خویش از اشکالاتیکه حالا در پیش دارند نجات یافته آسوده شوند .

بعبارة اخری .

« خط نو » يك طريقه بسیار آسانی است که میتواند با کمال سهولت برای کلیه ملل شرق وسطی عمومیت داشته باشد .

« خط نو » درحالی که از خط عربی که حالا معمول به کلیه ملل شرق وسطی است اقتباس شده ، تمام محسنات خطوط اروپائیرا نیز دارا میباشد .

« خط نو » آخرین اصلاح خطوط شرقی است که در اندک زمانی میتواند آسانی خود را بعموم بنمایاند و با صدای بلند تمام ملل شرق وسطی بگوید که « برای نجات از اشکالات خطوط حالیه یاباید « خط نو » را قبول نمائید و یا خط اروپائی را »

حالا انتخاب باخودمان است



### ضمیمه

در ترتیب نوشتن خط نو از چپ بر راست

و  
رفع يك نقص دیگر خط حالیه

پیش گفتیم که تمام الفباهای شرق و غرب از يك منشأ منشعب شده اند [\*] . ولی یونانیان قدیم که در تکمیل الفبای غربی خیلی خدمت نموده اند ، علاوه برآنکه اعراب را ایجاد و داخل حروف کردند ، الفبا را نیز برعکس عبرانیان و اعراب از چپ بر راست نوشتند و همین عمل اسباب کمال سهولت تحریر و اتصال حروف شد ، و بزعم بعضی ، این تمامیت الفبای حالیه غرب از دولت همان از چپ بر راست نوشتن است . و در حقیقت هم این نکته در تشکیل الفبا کمال اهمیت را دارد . چنانکه الفبای باستانی مانیز که بمخط میخی معروفست و قدیمترین تمام خطوط میباشد ، از چپ بر راست نوشته میشده است . حال بطوریکه در صفحات قبل ملاحظه شد ، اصلاحاتی که پایه تشکیل «خط نو» گردیده ، اساساً این خط را شامل تمام خواص و محسنات خط اروپائی نموده ، بطوریکه اگر حالا بانظر با بصیرتی بدان بتکریم فقط نقصی که خواهد داشت ، همین از چپ بر راست نوشتن میباشد . چنانکه بواسطه

[\*] رجوع بتاریخ الفبا و صفحه ۲۵ شود .

فقدان این ترتیب در خط تحریر دچار اشکال شده و برای اتصال حروف بیگدیگر مجبور گردیده ایم که ترتیب نیم متصل و نیم منفصل سابق را نگاهداشته ، در تحریرات اشکال مختلفه حروف را بطریق سابق محفوظ بداریم .  
 - اکنون برای اینکه ازین اشکال هم نجات یابیم محض مزید استحضار خاطر مطالعه کنندگان عرض یک پیشنهاد دیگر را نیز خالی از فائده نمیداند :

بطوریکه ذیل ملاحظه میشود ، چون همان الفبای خط نوه را از چپ بر راست بنویسیم ، صورتهای مستقله ذیل را برای تحریر بدست می آوریم :

l	u	n	d	uu	f	g	h
۱۰	۲۰	۳۰	۴۰	۵۰	۶۰	۷۰	۸۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴
۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲
۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰
۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸
۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶
۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴

در حروفی که دارای دایره هستند از قبیل ح و ع و غیره باید ملاحظه نمود که سر آنها را بطوری که هست نگاهداشته فقط دایره تختانی آنها را بطرف چپ برگردانده ایم .

و با این ترتیب در عین اینکه مسئله الفبا را بکلی حل و کار نوشتن را آسان مینمایم ، سه نکته مهم را نیز رعایت نموده ایم :  
 اولاً مداومت به تکامل تاریخی الفبای معموله حالیه خودمان ؛  
 ثانیاً ترتیب الفبائی به تمامیت الفباهای غربی که مجموع تمام محسنات آن نیز میباشد ، ثالثاً حفظ استقلال و هویت الفبای ملی خودمان ،  
 و از روی الفبای تحریری فوق الفبای بزرگ ذیل تشکیل شده است :

A, U, P, D, III, J, G, K, F.  
 R, E, C, I, T, W, Y, S, V, O, P,  
 P, Y, A, K, C, C, H, I, Y.

برای اصوات مشترکه نیز از قبیل س و ص و ث و غیره علاماتیرا که در سابق ایجاد شده ، درین الفبا نیز استعمال مینمایم .  
 ازینقرار :

đ ú ħ w é é ē ĩ  
 «ع» «ط» «ض» «ذ» «ص» «ه» «و» «ث» «ت»



اینک برای مثال از ترکیب اجمالی این الفبا  
منظومه ذیل را در اینجا مینگاریم :

### UYLAR MOC!...

U m d i e i y d i e n d n o r t e d i m e y e .  
L y e ' o ' l e r h u e r y m d e y r d e y m .

L u u n u y o d i y e r u t e j e h i .  
l e t e m u e r e u d e r e y n d y n i ' o u y m .

U e l e r ' y d i u e j e h i ' o d i u d y .  
U i p r i u y d l o r y e h e r u e d y m .

L y e ' o ' y u i e r t e d y r y d i d .  
C i e u o c o d y e n y m ' o p o r t d i e r y m .

H u d i e r d e r y u e h u e r y .  
M e r d t e h u e r o t m e y u e r y m .

L y y d i e u e m d e y d i u d e h i e u d .  
M e y i y u d e p i r e j e t e d i m e y m .

U d e r e i e n d d e h i d i o u e j e h i .  
M e y e u d e m d e r y u y y u ' o u y m .

R i h u e d o e d y e ' o . m o c d e r y y u h i .  
L e d i y n o i u d e r u ' o u e u r y m .

L y e ' o y d ' u d e d o e . m e h e r d i u .  
d e r u e y u e ' o i e r d e u e r d i u .

U i y o d i e m e y e r y m ' o . d e y d e d e r .  
D i r u o u d e y ' o u d e m e u e r r .

U e h e u e r d i ' o . i y u d i d i y o d e d .  
P i r d t e u o c u d i e y u e i ' o h o d e r .

C i e d e h u y e p r e y r ' o r d e y m e .  
L e j e h i d d i m d e d i d i u e r .

M e y e y d i y u d ' n o r u . d i d e y u y .  
M e r d e u e r u o u e y d ' o . y o d t e u r .

H e r d e u e l y e d t u d ' o h o r y d i e u y d .  
E u d e u d e m t u d ' o u d e m e r .

U e l e u r y d e t i y o d e d e r h i .  
M e y e u e h d e r m e d i t e u e h d e r .

d i e d o r i d y e p r i u e y d u r h y d u d .  
M e y e u d e m d e r y r e y u e r r !

U e y e i e u e y e m ' o u e h y e y e .  
U e h i e d e h u y e l e u y ' o . p r i ' o . h o d e r .

L y e ' o y d ' u d e d o e . m e h e r d i u .  
d e y e u e y u e d e h e r y o d d u e r u .

A. M. Oreyunq

واما الفبای کتابی نیز در دو قسم کوچک و بزرگ  
ترتیب یافته ذیلاً نگاشته میشود :

### الفبای کوچک کتابی

i u n d u j j h z  
h e r r m h r e o  
p β γ θ ι c e u y d y

### الفبای بزرگ کتابی

Λ U Π D W J A H  
Z L E R Γ M C Λ  
E O P B C A L C E  
M A Y

### بیدار شو! ....

کشته آینده ات پر از تشویش  
 خیز و در حال خویش نیک اندیش  
 خواب بس کن که خواب آرد جهل  
 کوش در رستگاریت کم و بیش  
 که درین خواب جهل و نادانی  
 با فلاکت خوری زهر سویش  
 خیز و یاد آور از نیا کانت  
 و از بزرگی پیش و قدرت خویش  
 حال گر اندکی بحال آتی  
 سخت از حال خود شوی دل ریش  
 لیک کر بشنوی نصیحت من  
 شوی الساعه فارغ از تشویش  
 کن رها اولاً تعصب جهل  
 سوی دانش کرای بی کم و بیش  
 راه نوگیر و شو و ترقی خواه  
 از تجدید مترس و دل مخربش

خیز و این "خط نو" شعار نما  
 گرد بیدار و افتخار نما

خیز و این "خط نو" شعار نما  
 گوی سبقت ز همکنان بر پا  
 ع. م. اویسی

### یک حرف آخر

مانند کلیه افکار جدیده موضوع این رساله هم البته بی  
 تعرض نخواهد بود .

متعرضین این موضوع سه گروهند : آنهاست که اساساً با اصلاح  
 خط معتقد نیستند ، آنهاست که با اصلاح تدریجی عقیده دارند ،  
 آنهاست که باخذ و استعمال خط لاطین معتقدند . قبلاً از تمام  
 متعرضین خودمان عاجزانه استدعا داریم ، که هر وقت بخواهند  
 درین موضوع داخل مذاکره شوند ، اولاً این رساله را  
 با دقت بخوانند ، تدقیق و تفکر کنند و بعد از تأمل بسیار  
 و درک مطلب انتقاد نمایند ، پس از آن هر چه بنظر شان  
 میرسد : در تغییر ، اصلاح ، رد یا قبول ، بنویسند و مرقوم  
 دارند ، تا مطلع شده ، برای خیر عمومی و خدمت نوع ، در  
 رفع اشکالات و اشتباهات وارده بعرض توضیحات مبادرت  
 نمایند .

واضح و روشن می بینیم که زمانه و احتیاج عاقبت گروه  
 نخستین را که اساساً به تغییر خط معتقد نیستند متدرجاً باید و گروه  
 دیگر که یکی با اصلاح تدریجی و دیگری با اصلاح قطعی و اساسی  
 معتقدند ، متصل و در اصلاح خط همراهی مینماید ، و چون

9.- Dans cet alphabet nous ferons usage des signes créés pour les différents sons au N<sup>o</sup> 6:

đ ú ħ w é ě ē ĵ  
«ع» «ظ» «ض» «ذ» «ص» «هـ» «ث» «ت»

10.-Alphabets minuscules pour imprimerie:

i u n d w j ħ h z  
k e r r m ħ r e o  
p β γ đ l c e w y

11.- Alphabet Majuscules pour imprimerie:

Λ Λ Π D III J Q H  
L L E R Γ III Y A  
E O P B Ц đ L C E  
III đ y

دو گروه ثانی اساساً با ما همفکر هستند ، ممکن است با کمال سهولت موافقت کامل نیز با ما حاصل شود : زیرا آنها نیز که با اصلاح تدریجی معتقدند ، ممکن است همین ترتیب خط نورا چنانکه نموده شده متدرجاً بموقع استعمال و احری گذارند ؛ و اما آنها نیز که با اصلاح قطعی و اساسی اعتقاد دارند ، بسهولت میتوانند در اخذ و استعمال خیرین ترتیب و طرح "خط نو" ، که حایز تمام محسنات و خواص خط اورویانی بوده بملاوه خطی است که از تکامل خطوط ملی ماناشی شده و استقلال خطی ما را نیز محفوظ میدارد ، با ما هم وار شده مسئله خط را بکلی حل و ختم نمایند .

اینک ما بامید آرزو سعادت و ترقی که تمام هموطنان برای خیر و خو شبختی خودشان افکار را کده و یا متایانه را کنار گذاشته و با یک شوق و شعف ره حانی قبول این "خط نو" ، که کلید ترقی ما خواهند بود ، اقدام می نمایند . ان دوره جدید و آن هموطنان سعادت مند خویمار را از حالا سلام گفته این رساله طاجزانه را بنام نامی اولین اصلاح صلابان "خط نو" که نایل باجرای این مرام میشوند ، ختم می نماید .

4.- En réduisant les formes de certaines lettres, de manière à ce qu'elles prennent moins de place et donnent plus de régularité à l'écriture, nous avons obtenu l'Alphabet ci-après :

ا ب پ ط س ج ح خ د ذ ر ش  
ا ه ه ع ذ ق ک و ل م ن ی

5.- Puis en supprimant les points, le suivant :

ا ب پ ط س ج ح خ د ذ ر ش  
ا ه ه ع ذ ق ک و ل م ن ی

6.- Afin de pouvoir indiquer les différents sons, nous avons, après avoir supprimé les diverses lettres que l'on employait pour les exprimer, créé les signes ainsi qu'ils figurent sur les lettres suivantes :

ظ ش خ س ص ض صه و  
«ت» «ث» «س» «ص» «ذ» «ض» «ظ» «و»

puis en incorporant ces lettres, avec les signes, à l'Alphabet énoncé au numéro 5, nous sommes arrivés à former un alphabet qui exprime tous les sons de l'Alphabet primitif, et réunit toutes les qualités et facilités désirables, ainsi :

ا ب پ ط س ج ح خ د ذ ر ش  
ا ه ه ع ذ ق ک و ل م ن ی  
ا ب پ ط س ج ح خ د ذ ر ش  
ا ه ه ع ذ ق ک و ل م ن ی

cet alphabet peut s'adapter sans difficulté aux diverses langues du monde Musulman.

7.- Pour faciliter davantage encore l'usage de cet alphabet et le rendre conforme au besoins de la vie moderne, en écrivant l'alphabet N° 5 de gauche à droite, nous avons donné naissance à un nouvel alphabet semblable aux écritures européennes. A l'effet de prouver que ce dernier alphabet n'a subi aucun changement dans les formes de ses caractères, nous avons indiqué audessous de chaque lettre la lettre correspondante du premier, comme suit :

l, u, n, d, u, j, g, h,  
ا ب پ ط س ج ح خ د ذ ر ش  
ا ه ه ع ذ ق ک و ل م ن ی  
ا ب پ ط س ج ح خ د ذ ر ش  
ا ه ه ع ذ ق ک و ل م ن ی

qui se prononce: a, b, p, t, c, dj, tch, h, kh, d, z, r, g, ch, aïn, à, e, o, f, gh, k, gu, l, v, ou, m, n, y.

8.- D'après l'alphabet ci-haut, nous formons cet alphabet de Majuscules :

A, B, C, D, E, F, G, H, I,  
J, K, L, M, N, O, P,  
Q, R, S, T, U, V, W, X, Y, Z.

La facilité et les avantages que présente cet alphabet, comme le fait que ses caractères conservent les mêmes formes que celles des caractères primitifs, ne manqueront pas je crois d'attirer l'attention du monde Musulman et d'aider à son adoption dans un avenir prochain.

Pour les Gouvernements Européens qui possèdent des colonies musulmanes où l'emploi des caractères Arabes est répandu, l'usage de ce nouvel Alphabet semble devoir être un précieux instrument pour la propagation de l'instruction et la réalisation de leur tâche humanitaire et civilisatrice.

Il incombe spécialement à tous les savants philanthropes de l'Univers de propager une idée appelée à sauver des millions et des millions d'êtres humains figés dans les ténèbres de l'ignorance, par suite des difficultés sans nombre auxquelles ils se heurtent, et en leur procurant un alphabet rationnel, de leur ouvrir toute larges les voies du progrès.

L'auteur en présentant ses hommages respectueux à tous les intellectuels qui travaillent à la perfectibilité de l'humanité, prie ceux d'entre eux qui s'intéresseraient à ses efforts de vouloir bien entrer en correspondance avec lui; il serait heureux d'avoir leur opinion et observations, comme aussi de leur fournir tout autre détail complémentaire qu'ils croiraient devoir lui demander.

Cet exposé est un résumé très sommaire de mon travail publié en langue persane. Il est évident, dans le cas où les différentes nations s'intéresseraient à la question qu'il serait utile que des brochures le développant soient imprimées dans toutes les langues.

# TABLEAU

De l'évolution successive de l'Alphabet Persan jusqu'à la formation de la Nouvelle Ecriture.

1.-Alphabet actuellement en usage:

ا ب پ ت ث ج چ ح خ د ذ ر  
 ز ژ س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق  
 ک گ و ل م ن ه ی

2.-Après élimination de différentes lettres employées pour un même son, avec conservation de l'une d'elles, (exemple: suppression de deux t « ط , ت » et conservation d'un seul) nous arrivons à former l'alphabet qui suit:

ا ب پ ط س ج چ ح خ د ض ر ژ ش ع  
 ف ق ک گ و ل م ن ی

3.- Dans l'alphabet usuel nous avons deux voyelles | (a) et ی (i), pour suppléer aux quatre autres voyelles nécessaires: à, e, o, ou, nous avons accepté comme telles les quatres lettres suivantes: (ا , ه , و , ع) qui se trouvaient déjà dans notre alphabet et, de cette façon, avons formé l'alphabet suivant:

ا ب پ ط س ج چ ح خ د ض ر ژ ش  
 ع ا ه و ع ف ق ک گ و و ل م ن ی



caractères latins, ou celle d'un alphabet composé de lettres empruntées aux diverses nations Occidentales. Ces longs efforts ont donné naissance à plusieurs projets d'alphabets nouveaux, mais ces derniers, comme l'alphabet actuellement en usage, présentent des difficultés et de nombreuses imperfections.

Comme on pourra s'en rendre compte par la lecture de ma brochure, pour arriver à la réforme de l'écriture en usage, je remonte à plusieurs siècles en arrière et tout en fournissant les notes relatives à l'histoire des écritures en général, je m'astreint au respect des faits historiques afin de connaître l'origine de chaque lettre, de la suivre attentivement dans ses évolutions tant en orient qu'en Occident; c'est ainsi que j'ai formé un alphabet sous le nom de: **La Nouvelle écriture.**

Aucun des caractères de cette écriture n'est inventé, je les ai tous empruntés aux lettres usuelles en ayant en vue les quatre règles suivantes:

- I.-Incorporation des voyelles aux lettres et suppléer ainsi aux signes qui les remplacent.
- II.-Séparation des lettres les unes des autres.
- III.-Suppression des points.
- IV.-Élimination des différentes lettres pour un même son et conservation de l'une d'elle seulement avec emploi des signes, suivant le son.

On verra en consultant le tableau qui figure aux dernières pages et qui met sous les yeux l'alphabet actuellement en usage dont, conformément aux quatre règles qui précèdent, nous avons éliminé certaines lettres superflues, lesquelles lettres, à l'effet d'éviter d'en créer de nouvelles, nous y

avons ajoutées pour un emploi différent, que nous sommes enfin parvenus à composer un alphabet complet (N° 8) ayant toutes les qualités requises pour l'énonciation des sons et la facilité tant de l'écriture que de la lecture.

Ce nouvel alphabet, comme l'ancien, s'écrit de droite à gauche, son emploi offre de grandes facilités et il s'adapte aux diverses langues aussi bien qu'aux coutumes et points de vue de tout le monde islamique.

Pour faciliter encore l'usage de cet alphabet et le rendre plus conforme à la vie moderne, j'ai imaginé de l'écrire de gauche à droite voir au N° 7.

C'est absolument le même alphabet que celui s'écrivant de droite à gauche énoncé plus haut, le seul fait de l'avoir transcrit de gauche à droite a donné naissance à un nouvel alphabet en tout semblable aux écritures européennes.

Dans le but de mieux prouver que ce dernier alphabet n'a subi aucun changement de forme, j'ai indiqué au dessous de chaque lettre la lettre correspondante du premier.

On peut voir au (N° 8) les majuscules pour écriture et aux ( N° 10 et 11) les minuscules et les majuscules pour imprimerie.

D'après le résumé succinct qui précède et surtout par une lecture attentive de ma brochure en langue persane, chacun peut se rendre compte que ces nouveaux caractères constituent une réforme fondamentale. Bien qu'ils aient été établis surtout en vue de l'écriture de la langue persane, ils peuvent tout aussi avantageusement être employés pour les autres idiomes islamiques.

A tous les Dirigeants, Savants  
et Intellectuels des pays qui  
emploient les caractères Arabes.  
A tous les Orientalistes.

La réforme des caractères en usage dans le proche Orient, ou pour mieux dire des caractères islamiques, est une des grandes questions sociales qui depuis longtemps, occupe le plus l'attention publique et fait l'objet de longues discussions au sein des Sociétés savantes de tous les pays intéressés.

En Perse principalement et depuis plus d'un demi siècle, cette question est étudiée de façon très sérieuse par la généralité des intellectuels et a déjà donné le jour à maints projets de réforme.

La lecture de mon opuscule ci-joint complètera, je crois, assez clairement les efforts tentés jusqu'à ce jour et fera ressortir la grande nécessité de cette réforme. Mon ouvrage attirera l'attention du lecteur sur un point important et fondamental, lequel semble n'avoir pas été pris en considération par les rénovateurs précédents : Réforme des caractères alphabétiques basée sur leur évolution historique.

Les personnes qui sont au courant des améliorations proposées jusqu'à présent, savent que les rénovateurs qui se sont succédés jusqu'ici n'ont pris pour base de leur travaux que les caractères actuellement en usage, se contentant de supprimer quelques lettres, d'en créer un certain nombre de nouvelles et de séparer les caractères les uns des autres et qu'enfin, ils n'ont proposé toutes ces réformes sans arriver à un résultat pratique, qu'ils ont préconisé l'adoption des

A Son Excellence

MONSIEUR

MIRZA MAHMOUD KHAN

Ehtecham - os - Saltaneh

Ambassadeur de Sa Majesté Impériale le SCHAH de Perse

près la Sublime Porte

etc. etc.

*Monsieur l'Ambassadeur,*

*L'importance de la question traitée dans ce modeste opuscule et l'intérêt tout spécial que Votre Excellence porte toujours aux réformes fondamentales de l'Orient, m'autorisent à lui dédier cet humble travail résultat de neuf années de méditation et de recherches.*

*J'ai l'espoir, Monsieur l'Ambassadeur, que Votre Excellence approuvera ce projet de réforme et qu'Elle voudra bien accueillir ce faible hommage de ma reconnaissance et de mon dévouement, avec cette bienveillante indulgence dont Elle m'a donné tant de preuves.*

*Veuillez agréer, Monsieur l'Ambassadeur, l'expression de mes sentiments les plus respectueux, avec lesquels j'ai l'honneur d'être,*

*de Votre Excellence*

*Le très humble et très obéissant serviteur*

A. M. OVEICY

ALPHABET

DE

# LA NOUVELLE ÉCRITURE

Projet de réforme alphabétique du monde Musulman  
basé sur l'histoire générale des alphabets de l'univers

PROPOSÉ PAR

ALI MOHAMED KHAN OVEICY

Délégué Financier à l'ambassade Impériale de Perse,  
Diplômé de l'école des Sciences politiques et administratives de Téhéran  
Officier de la première classe de l'instruction publique  
et de la seconde classe de l'ordre du Lion et Soleil.

etc. etc. etc.

---

CONSTANTINOPLE

Imprimerie SCHAMS, Vis-à-vis la Sublime Porte, 43.

1913



